

از مجموعه‌ی «پشت پرده‌ی مخملین»، دفتر ۷

اقتصاد را تسخیر کنید!

به چالش کشیدن نظام سرمایه‌داری

ریچارد ولف

در گفت‌وگو با

دیوید بارسامیان

مترجمان:

مهرداد (خلیل) شهبابی و میر محمود نبوی



نشر اختران

فهرست

- پیش درآمد ۷
- فصل ۱: دلمشغولی ها ۱۳
- فصل ۲: «جنبش تسخیر» و بحران اقتصادی ۵۷
- فصل ۳: اقتصاد را تسخیر کنید! ۸۹
- مراومه‌ی دموکراسی اقتصادی و عقلانیت زیست‌بومی ۱۸۱

اقتصاددانان حرفه‌ای برای این که به شما گرومانشان بیاورند و به
یکدیگر اعتماد خاطر دهند که نظام سرمایه‌داری چهقدر برای همه
واقعاً شکست‌انگیز است عباراتی مانند «برقبات کامل»، «توزیع بهینه‌ی
منابع» و «کارایی» را به کار می‌گیرند. سیاستمداران، روزنامه‌نویسان و تکرار
می‌کنند که «ایالات متحده برترین کشور جهان» و «سرمایه‌داری
برترین نظام اقتصادی جهان» است. اندک کسانی که جرئت کرده‌اند
سؤال‌هایی درباره‌ی نظام سرمایه‌داری مطرح می‌کنند از آن نقیضات کینسلی‌ها
نادیده گرفته شده‌اند یا با تسخیر به آنرا گفته شده که بهتر نیست به
کسری جسمانی، چنین می‌گویی یا گویا پرسند «تسخیر گسری کسری در برابر
خویشاوندی‌های نظام سرمایه‌داری، این تنها گزینه است»
آمریکایی‌ها نهادها و نظام‌های آموزشی، درمانی، رفاهی، فرهنگی
زمانه‌های جمعی، سیاسی و بسیاری از نهادها و نظام‌های دیگر
کشورشان را مورد بحث و نقد قرار داده‌اند. همچنین، نهادهایی مستی
مانند «آپوستلی» در نیویورک، «جوانان مستی» و دولت را زیر سؤال
برده و دست‌کم تا حدی دگرگون کرده‌اند. آنها حتی گاه این می‌کنند
چند از نظام اقتصادی سرمایه‌داری مثلاً نیست‌ها، اقدامات بانگ

پیش درآمد

در ایالات متحد، سخن گفتن یا نوشتن درباره‌ی سرمایه‌داری از موارد ممنوعه در نیم‌سده‌ی گذشته بوده است. در میان سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و دانشگامیان — و کلاً در گفت‌وگوهای عمومی — از واژه‌ی سرمایه‌داری یا اصلاً احتراز شده یا در نثرهای از ما بهتران آن را فقط ستوده‌اند.

اقتصاددانان حرفه‌ای برای این که به شاگردانشان بیاموزند، و به یکدیگر اطمینان خاطر دهند که نظام سرمایه‌داری چه قدر برای همه واقعاً شگفت‌انگیز است عباراتی مانند «رقابت کامل»، «توزیع بهینه‌ی منابع» و «کارایی» را به کار می‌گیرند. سیاستمداران، روبات‌وار، تکرار می‌کردند که «ایالات متحد برترین کشور جهان» و «سرمایه‌داری برترین نظام اقتصادی جهان» است. اندک کسانی که جرئت کرده‌اند سؤال‌هایی درباره‌ی نظام سرمایه‌داری مطرح یا از آن انتقاد کنند یا نادیده گرفته شده‌اند، یا با تمسخر به آنان گفته شده که بهتر است به کره‌ی شمالی، چین یا کوبا بروند — گویی که در برابر غوغاسالاری‌های نظام سرمایه‌داری، این تنها گزینه است.

آمریکایی‌ها نهادها و نظام‌های آموزشی، درمانی، رفاهی، ترابری، رسانه‌های جمعی، سیاسی و بسیاری از نهادها و نظام‌های دیگر کشورشان را مورد بحث و نقد قرار داده‌اند. همچنین، نهادهایی سنتی مانند نژادپرستی، مردسالاری، خانواده‌ی سنتی و دولت را زیر سؤال برده و دست‌کم تا حدی دگرگون کرده‌اند. آنها حتی گاه این یا آن جنبه از نظام اقتصادی سرمایه‌داری مثلاً قیمت‌ها، اقدامات بانک

مرکزی و جز اینها را به چالش کشیده‌اند، اما درباره‌ی کلیت نظام اقتصادی سرمایه‌داری تقریباً هرگز چنین نکرده‌اند.

در ایالات متحد، به پرسش کشیدن و نقد نظام سرمایه‌داری از موارد ممنوعه بوده و مقامات دولت مرکزی، مسئولان اداره‌ی مهاجرت، پلیس و اکثر مردم، همه یکسان، آن را نوعی خیانت شمرده‌اند. سکوت ناشی از هراس^۱ جانشین نقد ضروری و سالمی شده است که بدون آن، همه‌ی نهادها، نظام‌ها، و سنت‌ها دستخوش تضلب و جزمیت می‌شوند، رو به زوال می‌گذارند و به پدیده‌های اجتماعی انعطاف‌ناپذیر، یا حتی بدتر از آن، فرو می‌کاهند. مصونیت از نقد و بحث می‌تواند به همه‌ی محرک‌ها و گرایش‌های منفی نظام سرمایه‌داری در ایالات متحد بال و پر بدهد و، در واقع، چنین نیز کرده است. در نتیجه، به‌رغم اوجگیری بی‌سابقه‌ی نابرابری، بی‌عدالتی، بی‌کفایتی و ستمگری نظام سرمایه‌داری و پیامدهای آن، نه هیچ نوع افشاگری عمومی و نه هیچ انتقاد یا جنبش دگرگونی‌طلبی می‌تواند در ایالات متحد ظهور کند یا سد راه نظام سرمایه‌داری گردد. بسیار پیش از ظهور «جنبش تسخیر» برای افشای نظام سرمایه‌داری امروز ایالات متحد و رویارویی با آن، نظام سرمایه‌داری قشر ۱٪ بالای جامعه را از ۹۹٪ بقیه جدا کرده بود.

اهمیت «جنبش تسخیر» در این بود و هست که به چالش کشیدن نظام سرمایه‌داری را در کانون و پیشاپیش همه‌ی دغدغه‌ها و خواست-هایش قرار داده است. از میان جنبش‌های پرشارکت و بسیار فراگیر، هیچ‌یک از جنبش‌های توده‌ای ۵۰ سال گذشته به‌اندازه‌ی «جنبش تسخیر» جرئت نکرده بود که از تمرکز بر موضوعی واحد فراتر رود و بی‌عدالتی‌های اجتماعی نسبت به ۹۹٪ جامعه و کلیت نظام اقتصادی حاکم را دو موضوع کانونی و تعریف‌کننده‌ی جنبش قرار دهد. به‌رغم قدرت ایدئولوژی هوادار نظام سرمایه‌داری، «جنبش تسخیر» توانسته در مدتی بسیار بسیار کوتاه و به‌نفع تعداد شگفت‌آوری از آمریکایی‌ها،

به‌شیوه‌هایی بسیار عمیق و حیرت‌آور با نظام سرمایه‌داری به ستیز برخیزد.

البته، «جنبش تسخیر» فقط نخستین گام است. هیچ جنبشی با چنین دامنه‌ی گسترده و چنین اهداف اجتماعی دگرگون‌سازی هرگز بی‌انحراف از مسیر اصلی‌اش به راه خود ادامه نداده — بلکه، روال همواره دو گام به پیش و یک گام به پس بوده است. اما این بار، یک مانع بزرگ از میان برداشته شده، جنبش از محدوده‌ی بزرگی گذر کرده، و مرحله‌ی جدیدی از سیاست در ایالات متحد آغاز شده است. موضوع نظام اقتصادی ما و مناسب یا نامناسب بودنش برای نیازهای مردم اکنون دوباره کانون بحث‌ها، نقدها و مناظره‌ها واقع شده است.

واکنش رسانه‌های جمعی و نهادهای سیاسی و دانشگاهی همانی است که پیش‌بینی می‌شد. آنها به اهمیت تاریخی آنچه «جنبش تسخیر» می‌گوید و می‌کند نمی‌توانند اذعان کنند؛ اذعان به اهمیت تاریخی حرف‌ها و اعمال «جنبش» نیازمند اعتراف به لزوم بحث درباره‌ی دقیقاً همان موضوعاتی است که در عرصه‌ی گفتمان عمومی قابل قبول بحث را عملاً ممنوع کرده‌اند. همین است که سیاستمداران به سرکوب روی می‌آورند. بلومبرگ، شهردار نیویورک، مدعی بود که «جنبش تسخیر» را به‌خاطر نظافت از پارک زوکوتی به‌زور بیرون رانده است. باید به یاد آورد که، با ریاست شخص بلومبرگ بر شهرداری نیویورک، این شهر سال‌های زیادی شاهد یکی از کثیف‌ترین سیستم‌های مترو، یکی از آلوده‌ترین سیستم‌های جمع‌آوری زباله‌های عمومی و چنان سیستم برف‌روبی‌ای در میان کشورهای صنعتی، بوده که دستمایه‌ی طنزپردازی‌های کم‌دین‌ها شده است. اما، رسانه‌های عمومی کار همیشگی‌شان را کردند: تا جایی که می‌شد «جنبش» را نادیده گرفتند؛ هرگاه داغ‌ترین خبرها درباره‌ی «جنبش» بود، وسیعاً نادرست گزارش کردند؛ عمدتاً برای برجیدن چادرهای «جنبش» اظهار خشنودی کردند یا به آن رنگ‌ولعاب دادند؛ و سپس رویه‌ی اصلی-